

فروغ فرخ زاد

«مجموعهٔ سروده‌ها»

www.ketab.ir



پاییز ۱۴۰۱

فروغ فرخ زاد

فروغ فرخ زاد

«مجموعهٔ سرودها»

شاعر: فروغ فرخ زاد

شابک: ۶۴-۰۰-۷۳۶۸-۹۷۸-۶۰۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۱۴۰۹۲

نوبت نشر: چهارم

زمان نشر: پاییز ۱۴۰۱

شماره جلد: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۶۵,۰۰۰ تومان

بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه
انتشار، مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی)
صرفاً یا تحت اجازهٔ رسمی از ناشر (نمایندهٔ نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.
«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

ناشر: شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



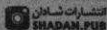
دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دریندی - شماره ۳۵

تلفن ۰۲۰ ۸۸۲۴۱۰۰۸۱-۴۴۸۰۱۸۸۰-۴۴۸۰۱۸۸۰

www.shadan.ir

info@shadan.ir



در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

مجموعه اشعار: فروغ فرخ زاد

تهران: شادان، ۱۳۹۷ ۳۶۵ صفحه، (رمان ۲۰۱۳)

شابک: ISBN: 978-600-7368-64-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۱۶۰۰ رده‌بندی دیویی: ۸۱۶۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۱۴۰۹۲

فروغ فرخ زاد

و او فروغ بود،

فروغ تابانِ شعر...



برای من همیشه شخصیت فروغ فرخزاد همراه با یک سؤال بزرگ بود که چرا قضاوت‌های بیشتر افراد در رابطه با او تند و افراطی بوده است. گاهی از اصل او را نفی کرده و انگ بسیاری بر او زده‌اند و گاهی دیگر تا حد قدیس وی را ستوده‌اند. به ویژه در زمان بودن او که این حدیث مکرر تر و شدیدتر پیش می‌آمد و شاید بیشتر، نفی بی‌رحمانه‌ای او بود تا تأیید و پشتیبانی.

ولی در کنار تمامی این سخن‌ها تصور می‌کنم در چند نکته و نظر تمامی این قضات — با حکم‌های محکم و بدون تجدید نظر — دارای وجه اشتراک باشند. نکاتی که شاید از بارزترین مشخصه‌های فروغ فرخزاد محسوب می‌گردد:

مهم‌ترین خصوصیت اشعار او ابراز بی‌تظاهر و بدون ریای عواطف درونی و تجسم بی‌پرده‌ی احساسات است. این خصوصیت، شعر او را به جایی می‌برد که به وجه جسمانی — یا زمینی — عشق توجهی خاص می‌کند و فکر می‌کنم مهم‌ترین نکته‌ی اظهارنظرهای مختلف موافقین و مخالفین او — بخصوص در زمان حیاتش — همین باشد.

یعنی طردکنندگان او اعتراض زیادی بر بیان احساسات عاشقانه‌ی او با در نظر گرفتن جنبه‌ی جسمانی عشق که در شعر او بارها و بارها — و به زیباترین و صریح‌ترین شکل — نمود پیدا می‌کند دارند. و از طرف دیگر تأیید کنندگان او این نگاه فروغ را از وجوه برتری‌اش می‌شمارند.

ولی شاید قضاوت منصفانه آن باشد که آیا آن که فروغ را به این دلیل تکفیر می‌کند به راستی هیچگاه در دل چنین خواهش‌هایی را نداشته و احساس نکرده است؟ آیا می‌تواند ادعای نفی زندگی زمینی با تمامی خواسته‌هایش را داشته باشد؟ من که بعید می‌دانم. این خصوصیت ذات انسان است و تا آن هنگام که در چهارچوب رایج زمانه می‌گنجد کسی را اعتراضی نیست. ولی وای به آن روز... وای به آن روزی که هنرمندی سخن خود را خلاف عرف زمانه بگوید و در هنر خود تابوهای جامعه را بیان کند. فروغ چنین کرد.

امروز سالها از دورهی زندگی او گذشته و شاید بسیاری از سخنان و اشعار او دیگر آن حساسیت‌های روزگار پیشین را برنیاورند. و شاید دهها سال بعد تمامی اشعار او برای حساس‌ترین افراد هم عجیب به نظر نیاید. بنابراین تصور می‌کنم فروغ دهها سال زود به دنیا آمده و این تولد زود هنگام به شعر او اثرگذاری بیشتری بخشیده است.

فروغ از دیدگاه بسیاری از نزدیکانش شادترین غمگین‌ترین انسان بوده و به نقل از یکی از این دوستان: «او نقطه تلاقی اوج غم و شادی بود.» من گاهی شهامت او را می‌ستایم که چگونه ایستاد و تحمل کرد و در یک زندگی کوتاه توانست به قله‌های بسیاری دست یابد. می‌تواند و انسان‌ی آزاده و آزاداندیش نامید که در جسم خود

نمی‌گنجید. او آنقدر به زندگی جسمانی اهمیت می‌داد که بی‌اهمیتش می‌کرد. و آنقدر زندگی را بی‌ارزش می‌انگاشت که ارزش معنوی به آن می‌بخشید. کلام او جمع نقیضین است و زندگی‌اش عشق به حیات و بی‌توجهی به آن، گاهی مخاطب او از فرد می‌گذرد و وقتی گوش شنوایی پیدا نمی‌کند به خدای خود متوسل می‌شود. مخاطب او خدایش می‌گردد و فریادش را به گوش او می‌رساند و در برابر پروردگار، سفره‌ی دل می‌گشاید.

او را باید یک انسان دید با فرصت خطا. او حق تجربه کردن داشته و اگر با عدالت قضاوت کنیم — که کاری بس دشوار است! — شاید از کم خطاترین انسان‌ها بود. او جسارت اندیشیدن داشت و به آنچه ایمان داشت عمل می‌کرد. گاهی مقالاتی که در دهه سی و چهل در برخی مجلات در مورد شاعره‌ای تازه کار در نطفی او نوشته را می‌خوانیم، به این شجاعت و ایستادگی ایمان می‌آوریم. مقالاتی که تنها نکته‌ای که در آن یافت نمی‌شود نقد شعر او و بیان ایرادات احتمالی شاعر است. و انسان تصور می‌کند که این مقاله، نامه‌ای به بدنام‌ترین زن زمانه است. و عجبا که او از هفده سالگی شاعر بود و پس از آن پانزده سال زندگی کرد و در این مدت کوتاه به رشد و تجربه‌ای معادل یک قرن رسید.

این که او در زندگی خصوصی‌اش که بود و چه کرد شاید مقوله و کلامی دیگر باشد که بسیاری از ما مجاز به دخالت در آن و تلفیق‌اش با هنرمندی به نام فروغ نیستیم.

تجربه‌ی تمام زمانها به ما می‌گوید همواره انسانهایی بوده‌اند که در زمان خود نگنجیده‌اند و دیگران نیز تاب بودن ایشان را نداشته‌اند. این طبیعت زندگی است و

همواره اتفاق می‌افتد. ولی زمانه می‌گذرد و عُرف انسانها تحول می‌یابد و در آن صورت، آن که روزی تکفیر شده، به عنوان هنرمندی بزرگ شناخته میشود و آثارش به جای سوزانده شدن، به عنوان کتاب درسی تدریس می‌شوند.

امروز که کتاب اشعار فروغ فرخزاد را به چاپ می‌رسانیم — و فکر می‌کنم کامل‌ترین نسخه منتشره در داخل کشور و در دو دهه‌ی اخیر باشد — ذکر این مطلب را ضروری می‌دانم: شعر او را باید خواند، با صدای بلند زمزمه کرد و در سیال ساده‌ی کلام او شناور شد. او شاعری بزرگ است که هنوز به اندازه‌ی شایستگی‌اش شناخته نشده. من از او به قدر خود برداشت کرده‌ام، ولی دلم می‌خواهد بسیاری از زنان کشور ما او را بخوانند و قضاوت کنند. قضاوت در مورد شاعری با آنچه به جای گذاشته، و نه بر مبنای او یا حواشی و سخن‌های دیگر که می‌باید آن را به اهل فن سپرد. شاید ما هم روزی در مورد تمامی هنرمندان مان به نقطه‌ای برسیم که لااقل در حد و اندازه‌ی بیگانگان آنان را ارج نهیم. اما امروز که یونسکو حدود چهل سال قبل فروغ و آثارش را شناخت و از زندگی‌اش اثری ساخت. و به همان صورت که چندین کشور از او برای ساخت فیلم و اثری هنری دعوت به عمل آوردند. فروغ سالهاست که متعلق جهان است و چه ما او را تقدیس کنیم و چه تکفیر، او خواهد ماند.

پس قدر بدانیم او را.

بهمن رحیمی

مرداد ۸۳

لش لشی



فروغ فرخزاد

فهرست

(۱۳۳۰ - ۱۳۳۱)

دفتر اول: اسیر

۱۷	شعله‌ی رمیده
۲۰	رمیده
۲۱	خاطرات
۲۴	رویا
۲۷	هرجایی
۲۹	اسیر
۳۱	بوسه
۳۲	نا آشنا
۳۴	یادی از گذشته
۳۶	پاییز
۳۸	وداع

۴۰	افسانه‌ی تلخ
۴۳	گریز و درد
۴۵	دیو شب
۴۸	عصیان
۵۱	شراب و خون
۵۳	دیدار تلخ
۵۶	گمگشته
۵۹	از یاد رفته
۶۲	ناشناس
۶۴	چشم براه
۶۷	آینه‌ی شکسته
۶۹	دعوت
۷۱	خسته
۷۴	بازگشت
۷۶	بیمار
۷۸	مهمان
۸۱	راز من
۸۴	دختر و بهار
۸۶	خانه‌ی متروک
۸۸	یکشب
۹۰	در برابر خدا
۹۳	ای ستاره‌ها
۹۶	حلقه
۹۸	اندوه
۱۰۰	صبر سنگ

۱۰۴.....	از دوست داشتن
۱۰۷.....	خواب
۱۰۸.....	صدایی در شب
۱۱۰.....	با کدام دست
۱۱۴.....	دریایی

(۱۳۱۳ - ۱۳۳۵)

دفتر دوم: دیوار

۱۱۹.....	رویا
۱۲۳.....	نغمه‌ی درد
۱۲۵.....	گمشده
۱۲۷.....	اندوه پرست
۱۲۹.....	قربانی
۱۳۱.....	آرزو
۱۳۴.....	آبثنی
۱۳۶.....	سپیده‌ی عشق
۱۳۸.....	بر گور لیلی
۱۴۰.....	اعتراف
۱۴۲.....	یاد یک روز
۱۴۴.....	موج
۱۴۶.....	شوق
۱۴۸.....	اندوه تنهایی
۱۵۱.....	قصه‌ای در شب
۱۵۴.....	شکست نیاز
۱۵۶.....	شکوفه‌ی اندوه

۱۵۹	پاسخ
۱۶۱	دیوار
۱۶۴	ستیزه
۱۶۷	قهر
۱۶۹	تشنه
۱۷۲	ترس
۱۷۴	دنیای سایه‌ها

(۱۳۳۵ - ۱۳۳۶)

دفتر سوم: عصیان

۱۷۹	عصیان خدایی
۱۸۴	نیمه برای تو
۱۸۷	پوچ
۱۸۹	دیر
۱۹۲	صدا
۱۹۵	بلور رویا
۱۹۷	ظلمت
۱۹۹	گره
۲۰۲	بازگشت
۲۰۵	از راهی دور
۲۰۷	رهگذر
۲۰۹	سرود زیبایی
۲۱۱	جنون
۲۱۴	بعدها
۲۱۷	زندگی

۲۲۳	آن روزها
۲۲۸	گذران
۲۳۰	آفتاب می شود
۲۳۳	روی خاک
۲۳۶	شعر سفر
۲۳۸	باد مارا خواهد برد
۲۴۰	غزل
۲۴۱	درآبهای سبز تابستان
۲۴۵	میان تاریکی
۲۴۸	بر او ببخشاید
۲۵۰	دریافت
۲۵۳	وصل
۲۵۶	عاشقانه
۲۶۰	پرسش
۲۶۱	جمعه
۲۶۳	عروسک کوکی
۲۶۶	تنهایی ماه
۲۶۸	معشوق من
۲۷۱	در غروبی ابدی
۲۷۶	مرداب
۲۷۹	آیه های زمینی
۲۸۴	هدیه
۲۸۵	دیدار در شب